

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

The Political Objectives of Using Energy in Russia's Foreign Policy

1. Toba Pirzadian: PhD Student of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Dawood Kiani*: Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: dkiani@outlook.com (Corresponding Author)
3. Keyhan Barzegar: Associate Professor, Department of International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ABSTRACT

Energy diplomacy is a growing field of diplomatic activity aimed at securing energy security. Due to its increasing impact on national security and the economy, energy has become an integral part of diplomacy and foreign policy, thereby strengthening both. This issue has led Russia, given its strategic position, to utilize energy as a diplomatic tool. This article seeks to examine the political objectives of energy use in Russia's foreign policy, which, after expanding the conceptual framework of the research topic, will explore energy diplomacy. According to the relevant documentation presented in this study, the research method is descriptive-analytical, and the data collection method is library-based. The article raises the following question: What are the primary political objectives of Russia's energy diplomacy in advancing the country's national interests at the global level? The proposed hypothesis is that "Russia has sought to strengthen its global position by using mechanisms such as adopting uncompromising positions in energy negotiations, creating and exploiting areas of conflict with partners, extracting political concessions from energy exports, and dominating energy transmission networks." The conclusion of the article suggests that after the collapse of the Soviet Union, the use of energy resources to achieve foreign policy objectives had the greatest impact in the post-Soviet space, with Russia aiming to influence the domestic and foreign policies of energy-consuming countries through the use of energy as a tool.

Keywords: *Russia, diplomacy, energy, foreign policy, political objectives*

How to cite: Pirzadian, T., Kiani, D., & Barzegar, K. (2025). The Political Objectives of Using Energy in Russia's Foreign Policy. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(1), 207-227.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 27 January 2024
Revise Date: 06 June 2024
Accept Date: 08 August 2024
Publish Date: 26 January 2025



پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست

بررسی اهداف سیاسی استفاده از انرژی در سیاست خارجی روسیه

1. طوبی پیرزادیان: دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
2. داود کیانی*: دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. پست الکترونیک: dkiani@outlook.com (نویسنده مسئول)
3. کیهان برزگر: دانشیار گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

دیپلماسی انرژی یک از انواع حوزه‌های دیپلماتیک رو به رشد است که هدف آن تامین امنیت انرژی است. انرژی در نتیجه تاثیر فزاینده آن بر امنیت ملی و اقتصاد وارد حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی شده است و سبب تقویت هر دوی آنها می‌شود. این مسئله سبب شده است تا روسیه با توجه به موقعیت خود از انرژی به عنوان یک ابزار دیپلماسی استفاده نماید. مقاله حاضر در صدد «بررسی اهداف سیاسی استفاده از انرژی در سیاست خارجی روسیه» است که پس از بسط فضای مفهومی موضوع تحقیق، به بررسی دیپلماسی انرژی خواهد پرداخت. مطابق با مستندات موضوعی ارائه شده در این پژوهش، روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات در این مقاله، کتابخانه‌ای می‌باشد. در مقاله این سوال مطرح است که؛ مهمترین اهداف سیاسی دیپلماسی انرژی روسیه در توسعه منافع ملی این کشور در سطح جهانی کدامند؟ فرضیه مطرح شده این است که «روسیه با استفاده از سازوکارهایی چون: اتخاذ مواضع سازش ناپذیر در مذاکرات انرژی، ایجاد و بهره‌گیری از زمینه‌های منازعه با شرکا، امتیازگیری سیاسی از صدور انرژی و تسلط بر شبکه خطوط انتقال انرژی تلاش کرده است تا موقعیت جهانی خود را تقویت نماید.» نتیجه‌گیری مقاله حاکی از آن است که: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استفاده از منابع انرژی با هدف دستیابی به اهداف سیاست خارجی بیشترین تاثیر را در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشت و روسیه سعی دارد تا با استفاده از ابزار انرژی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای مصرف‌کننده تاثیر بگذارد.

واژگان کلیدی: روسیه، دیپلماسی، انرژی، سیاست خارجی، اهداف سیاسی.

نحوه استناددهی: پیرزادیان، طوبی، کیانی، داود. و برزگر، کیهان. (1404). بررسی اهداف سیاسی استفاده از انرژی در سیاست خارجی روسیه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، (1)، 207-227.

© 1404 تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: 01 اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: 17 خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: 18 مردادماه ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: 7 بهمن ۱۴۰۳



تجربیات بین‌المللی گذشته و جاری در حوزه انرژی، به خوبی نشان دهنده اهمیت این کالا و وجوه تمایز روشن آن با سایر کالاهای مبادله شونده در عرصه تجارت بین‌الملل است. حوادثی از قبیل تحریم نفتی غرب از سوی اعراب در زمان جنگ با اسرائیل و نقش غیر قابل انکار آن بر اقتصاد غرب که در قالب بحران اول انرژی نمودار شد، منجر به آگاهی جهان از اهمیت و کاربردهای فراکالایی انرژی گردید. همچنین وقوع جنگ‌های متعدد با موضوع انرژی در سال‌های اخیر باعث شده است که مسئله انرژی نه تنها از بعد اقتصادی و به عنوان یک نهاد اقتصادی؛ بلکه از ابعاد سیاسی، اجتماعی و زیست محیطی مورد توجه روزافزون قرار گیرد با عنایت به مطالب فوق، سیاست خارجی روسیه به اهمیت انرژی پی برده و آن را به عنوان عنصری اصلی در سیاست خارجی و قدرت این کشور در نظام بین‌الملل گنجانده است (Nouri, 2010). روسیه بدین منظور چندین محور را در دیپلماسی انرژی خویش مورد توجه قرار داده است؛ یک) حمل و نقل حامل‌های انرژی کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای مصرف جهانی از طریق خطوط لوله‌های نفت و گاز روسیه؛ دوم) جلوگیری از همگرایی کشورهای آسیای مرکزی در ساختارهای غربی و سوم) استفاده از منابع اولیه و مواد خام کشورهای منطقه (Karimipour et al., 2017). از این رو روسیه همواره تلاش دارد تا فارغ از اهداف اقتصادی از انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی در روابط خود با غرب و اتحادیه اروپا بهره‌برداری نماید این مسئله سبب شده تا شاهد نوعی دیپلماسی در سیاست خارجی این کشور تحت عنوان «دیپلماسی انرژی» باشیم. هدف مقاله حاضر اولاً، بررسی اهمیت دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی روسیه و ثانیاً، اهداف سیاسی روسیه از اتخاذ این نوع دیپلماسی است در مقاله این سوال مطرح است که مهمترین اهداف سیاسی روسیه از اتخاذ دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی کدامند؟

1. پیشینه پژوهش

فرهادی (1401) در مقاله‌ای با عنوان: «مطالعه تطبیقی فرصت‌ها و تهدیدات طرح‌های اقتصادی ترکیه و روسیه در آسیای مرکزی برای ایران» نگارنده طرح‌های اقتصادی روسیه را از منظر «طرح ترانزیت انرژی» و «اتحادیه اقتصادی اوراسیا» و اهداف جهانی و منطقه‌ای آن‌ها به این نتیجه رسیده است که تهدیدهای طرح‌های ترانزیت انرژی روسیه در آسیای مرکزی برای ایران، بوجود آمدن تنش میان ایران و روسیه بر سر ترانزیت انرژی در آسیای مرکزی است؛ چراکه به دلیل عدم توافق روسیه و ایران در موضوع ترانزیت انرژی در آسیای مرکزی، فدراسیون روسیه خواهان خارج کردن ایران از چرخه‌ی انتقال انرژی در آسیای مرکزی است (Farhadi & Abbasi Ghadi, 2022).

میرترابی حسینی و خزایی (1398) در مقاله‌ای با عنوان: «نقش دیپلماسی و راهبرد امنیت انرژی روسیه در سیاست خارجی روسیه (۲۰۱۵-۲۰۰۰)» با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی دیپلماسی و راهبرد امنیت انرژی روسیه و جایگاه و اهمیت آن در سیاست خارجی روسیه بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ می‌پردازد. که براساس یافته‌های پژوهش روسیه با بهره‌گیری از دیپلماسی و راهبرد امنیت انرژی تهاجمی در سیاست خارجی خود از انرژی به عنوان ابزاری برای بازگشت این کشور به صحنه بین‌المللی و بازیابی قدرت خود در سطح جهانی و وابسته نگه داشتن جمهوری‌های شوروی سابق و اتحادیه اروپا به خود است (Mirtorabi Hosseini & Khzaei, 2019).

کریمی‌پور و نیانکویی (1396) در مقاله‌ای با عنوان: «نقش دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی؛ مطالعه تطبیقی روسیه و قطر» به این نتیجه می‌رسند که روسیه به دلیل استفاده از انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی، نتوانسته به خوبی از این ابزار برای توسعه اقتصادی استفاده کند، در حالیکه قطر از رهگذر دیپلماسی انرژی فعال و بین‌المللی و اجتناب از اهرم‌سازی سیاسی از آن، توانسته علاوه بر دستاوردهای سیاسی، درآمدهای ناشی از صادرات گاز را، سکوی پرتاب توسعه اقتصادی و اجتماعی خود قرار دهد و به موفقیت‌های قابل توجهی دست یابد.

تأثیرگذاری دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی قطر و روسیه متأثر از راهبرد صادراتی و نوع روابط با ایالات متحده امریکا نیز است (Karimipour et al., 2017).

بررسی تحقیقات و پیشینه‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگر چه انرژی و اهمیت آن در سیاست خارجی کشورها موضوعی است که در کانون توجه قرار دارد و امروزه در این حوزه شاهد رقابت بین‌المللی میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستیم اما استفاده سیاسی از مقوله انرژی بخصوص در سیاست خارجی روسیه در قالب طرح «دیپلماسی انرژی» می‌تواند مطلبی جدید و توأم با نوآوری تلقی شود که کمتر از سوی محققان به آن پرداخته شده است بخصوص اینکه این طرح حائز فرصت و تهدید برای منافع ملی ایران می‌باشد که عدم آگاهی از این طرح می‌توان باعث ابهام و غفلت در نوع نگاه راهبردی ایران شود؛ زیرا عدم شناخت درست از روند طراحی، اهداف و اجرای این طرح در منطقه ضمن تاثیر منفی بر منافع ملی ایران توأم با تهدیدات بی‌شماری است که می‌تواند ایران را از جریان ترانزیت انرژی خارج نموده و فرصت‌های اقتصادی ایران را از بین ببرد از سوی دیگر نیز بررسی این طرح‌ها و مشخص نمودن تهدیدات و فرصت‌های آن‌ها می‌تواند به ایران در جهت ابتکار عمل لازم برای تبدیل تهدیدات به فرصت یا حداقل تعدیل آن‌ها کمک کند و در نهایت نیز آگاهی از این طرح در منطقه ایران را به ارائه راهبردهای مناسب سوق خواهد داد که این مسائل توأم با نوآوری می‌باشد.

2. چارچوب نظری: رئالیسم تهاجمی

رئالیست‌های تهاجمی هدف دولتها را افزایش بیشتر قدرت می‌دانند تا دولت موقعیتی هژمونیک در نظام بین‌الملل پیدا کند زیرا ایده اصلی آن‌ها این است که یک دولت با حداکثر کردن قدرت خود امنیت خود را به بهترین نحو تضمین می‌کند. دولت تنها با هژمون بودن می‌تواند از امنیت خود مطمئن باشد. از نظر میرشایمر، دولت‌ها به دنبال به حداکثر رساندن قدرت هستند نه به این دلیل که تهاجمی هستند، بلکه به این دلیل که سیستم آن را ایجاب می‌کند. این رفتار بهترین راه برای به حداکثر رساندن امنیت در دنیای هرج و مرج است (Mearsheimer, 2001). از این رو رئالیست‌های تهاجمی با تأکید بر آنارشیک بودن محیط بین‌المللی و اینکه در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ماهیت اقتصاد سیاسی جهانی، به شدت تحت تأثیر منافع سیاسی و امنیتی قدرت‌های اقتصادی برتر جهان است، توجه خود را بر روی سیستم دولت-ملت و نقش و تأثیر روابط سیاسی در سازمان‌دهی اقتصاد جهانی متمرکز ساخته‌اند (Mirtorabi Hosseini & Khazaei, 2019).

در چهارچوب این پارادایم، همه دولت‌ها، در تعقیب منافع ملی خود بوده و تنها عامل واسطه در سیاست بین‌الملل، میزان قدرت و توانایی دولت‌هاست بنابراین در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌المللی، برای قدرت‌های هژمون از میان سه رکن مادی تحکیم قدرت هژمون، یعنی سلطه بر منافع انرژی، حاکمیت بازار آزاد در اقتصاد سیاسی بین‌المللی و یک نظام مالی بین‌المللی با ثبات، انرژی و خط لوله انتقال انرژی، از ارکان مهم سازنده هژمونی و سازوکارهایی است که دولت‌ها را قادر می‌سازد تا در بازار تجارت جهانی، سهمی از تجارت خارجی را به خود اختصاص دهند. در این راستا انرژی و خطوط لوله انتقال انرژی، ضمن آنکه از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی و فراهم نمودن بستری مناسب برای توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، سبب تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، افزایش نفوذ و نیز نقش سیاسی کشورها در معادلات قدرت منطقه‌ای شده، می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مهم دیپلماسی برای تحقق و پیشبرد اهداف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوجانبه و چندجانبه کشورها و نیز تقویت همکاری‌های مشترک میان همسایگان و تثبیت صلح و ثبات منطقه‌ای، مؤثر واقع گردد. بر پایه چنین تحولاتی از دهه 1980 به بعد، نظریه‌پردازی همچون کوهن و گیلپین با استناد به نظریه‌هایی چون «ثبات مبتنی بر هژمونی» بر این باور قرار گرفتند که از آنجا که یکی

از شاخص‌های بنیادین قدرت هژمونی در هر عصری، کنترل بر منابع، خطوط و مسیرهای انتقال انرژی است و با توجه به اینکه نفت، انرژی محسوب می‌شود و انرژی، قابل تبدیل به پول است و پول، کنترل می‌آفریند و کنترل نیز قدرت تلقی می‌شود بنابراین، استیلا و برتری دولت هژمون، منوط به کنترل بر چهار دسته منابع است: 1. کنترل بر منابع خام جهان و از جمله انرژی؛ 2. کنترل بر منابع سرمایه‌ای جهان؛ 3. کنترل بر بازارهای جهانی؛ 4. کنترل بر تولید کالاهایی با ارزش افزوده بالا (Farhadi & Abbasi Ghadi, 2022).

بنابراین در جمع‌بندی از بحث چارچوب نظری می‌توان بیان داشت با توجه به اینکه انرژی از منابع قابل تعویض است و امکان افزایش یا انتقال قدرت دولتی را به سایر زمینه‌ها از جمله: نظامی، صنعتی، مالی و دیپلماتیک ایجاد می‌کند لذا بهبود قدرت انرژی، توانایی دولت‌ها را برای ابراز منافع خود در خارج از کشور افزایش می‌دهد (Česnakas, 2016). از این رو دولتمردان روسیه با در پیش‌گرفتن سیاستی واقع‌گرایانه تلاش دارند تا، با تدوین استراتژی انرژی برای آینده، به عنوان یک ابر قدرت انرژی و امپراتور نفتی و بازیگری که با ارتقای جایگاه خود قادر به ایفای نقشی ژئوپلیتیکی و کلیدی در عرصه انرژی است تبدیل شود (Mirtorabi Hosseini & Khazaei, 2019).

3. اهمیت انرژی در سیاست خارجی روسیه

برخورداری روسیه از انواع منابع انرژی به این کشور کمک می‌کند تا نیازهای خود را پوشش دهد و حجم عظیمی از انرژی را به بازارهای دیگر صادر کند. روسیه تقریباً 52 درصد از انرژی تولید شده در داخل مرزهای خود را برای تأمین نیازهای خود استفاده می‌کند و با 701/3 میلیون تن مازاد تجارت انرژی همچنان بزرگترین صادرکننده انرژی در جهان است. در سال 2019، سهم روسیه در صادرات جهانی کالاهای انرژی فسیلی 12/7 درصد در نفت، 13/2 درصد در محصولات نفتی، 26/1 درصد در گاز طبیعی و 16/6 درصد در زغال سنگ بود. روسیه باید برای تقریباً نیمی از انرژی تولیدی خود بازارهای خارجی پیدا کند و این امر باعث می‌شود که این کشور به شدت در معرض عوامل خارجی قرار گیرد و وضعیتی را ایجاد می‌کند که مشخصه آن وابستگی متقابل انرژی نسبتاً زیاد بین روسیه به عنوان یک تولیدکننده/صادرکننده بزرگ انرژی و کشورهای است که برای تأمین انرژی خود به انرژی روسیه وابسته هستند (Godzimirski, 2022). جغرافیای روسیه به دلیل نزدیکی به بازارهای اصلی انرژی اروپا با کاهش تولید انرژی خود و تقاضای نسبتاً پایدار برای انرژی، فرصت‌های مهمی را برای تولیدکنندگان و صادرکنندگان انرژی آن فراهم می‌کند. جغرافیا همچنین این امکان را برای روسیه فراهم می‌کند که به سمت مصرف‌کننده بزرگ دیگری به نام چین حرکت کند، بنابراین، روسیه به عنوان یک تولیدکننده و صادرکننده اصلی انرژی باید از فرصت تنوع بخشیدن به بازارهای خود برای جلوگیری از وابستگی بیش از حد به تنها یک مصرف‌کننده استفاده کند (Farhadi & Abbasi Ghadi, 2022).

مبتهی بر مطالب فوق، سه مرحله برای توسعه انرژی روسیه در نظر گرفته شده است:

- از بین بردن آثار بحران اقتصادی بر بخش انرژی
- بهبود بهره‌وری انرژی با ایجاد نظامی یکپارچه برای تولید، حمل و نقل، توسعه و توزیع گاز طبیعی در شرق دور روسیه و سیبری شرقی
- توسعه انرژی‌های جایگزین به این دلیل که اقتصاد روسیه به شدت به صادرات انرژی و مواد خام وابسته است و با بحران مالی جهانی می‌تواند دچار دشواری‌های بسیاری شود (Koolae & Allahmoradi, 2011).

بنابراین در جمع‌بندی از بحث می‌توان استدلال نمود که سیاست انرژی از دیرباز بخش مرکزی ژئوپلیتیک و نفوذ روسیه در جهان بوده است در این راستا وزارت امور خارجه در سال 2013 اعلام کرد که هدف روسیه در زمینه انرژی «تقویت شراکت استراتژیک خود با تولیدکنندگان

عمده منابع انرژی و در عین حال ترویج گفتگوی فعال با مصرف‌کنندگان و کشورهای دارای موقعیت ترانزیتی است.» از این رو روسیه شروع به اقداماتی از جمله: سرمایه‌گذاری در تولید در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، ساخت خطوط لوله ترانزیت؛ تسلط بر تدارکات اتحادیه اروپا؛ افزایش عرضه به آسیا و سنگین کردن قیمت‌ها نموده است این موضوع حکایت از آن دارد که، روسیه به طور مداوم سیاست انرژی خود را به ابزار سیاست خارجی در راستای افزایش قدرت جهانی، توسعه و رونق اقتصادی داخلی دنبال می‌کند از زمانی که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در مسکو قدرت را در دست گرفته است، نفت و گاز بخش جدایی‌ناپذیر از استراتژی روسیه برای بازیابی نفوذ در صحنه جهانی تبدیل شده است. تسلط بر عرضه گاز به اتحادیه اروپا و خنثی کردن تلاش‌های اتحادیه اروپا برای تنوع بخشیدن به مدت طولانی از اجزای اصلی این استراتژی به حساب می‌آیند (Pierini, 2019). در حوزه انرژی روسیه تلاش دارد تا از طریق انحصار در اکتشاف، بهره‌برداری، توسعه و حمل و نقل منابع انرژی منطقه، منافع اقتصادی خود را دنبال کند. نقش روسیه در صادرات گاز ترکمنستان و نفت قزاقستان مصداق بارزی از این نوع سیاست‌ها به حساب می‌آید (Rauf, 2017).

جدول 1. خرید گاز از کشورهای آسیای مرکزی توسط شرکت روسی گازپروم، براساس میلیارد متر مکعب

کشور	2015	2016	2017	2018	2019
ترکمنستان	3/1	-	-	-	4/0
ازبکستان	3/5	4/3	5/5	3/8	4/9
قزاقستان	12/6	12/7	13/8	12/3	11/3
برای ذخایر جنوب قرقیزستان					
ازبکستان	2/9	1/9	1/7	2/9	2/7
برای ذخایر قرقیزستان					
ازبکستان	0/0	0/0	0/0	0/0	0/0
قزاقستان	0/2	0/2	0/3	0/3	0/3

بنابراین بر اساس مطالب مطرح شده در فوق می‌توان بیان داشت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استفاده از منابع انرژی با هدف دستیابی به اهداف سیاست خارجی بیشترین تاثیر را در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشته از این رو روسیه تلاش می‌کند با بهره‌گیری از ابزار انرژی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای مصرف‌کننده تأثیر بگذارد.

4. جایگاه انرژی در اقتصاد روسیه

روسیه جزء محدود کشورهای جهان است که از حیث انرژی غنی می‌باشد این مسئله ناشی از دو عامل کلیدی است اولاً، خود روسیه دارای منابع نفت و گاز فراوان است و ثانیاً، روسیه خود را همواره وارث اکثریت ثروت منابع طبیعی شوروی سابق می‌داند بر اساس آمارهای جهانی در ژانویه 2017، ذخایر نفت روسیه 80 میلیارد بشکه برآورد شده است که از لحاظ تولیدات نفتی پس از عربستان و ایالات متحده در جایگاه سوم جهان و دومین صادرکننده بزرگ نفت خام پس از عربستان را به خود اختصاص داده است این کشور همچنین

دارای بزرگترین ذخایر گاز طبیعی در جهان با 1/688 تریلیون فوت مکعب است (Energy Information Administration, 2017). برخوردار از این حجم از ذخایر قطعاً تأثیرات فراوانی بر اقتصاد روسیه دارد به گونه‌ای که در سال 2019، بخش سوخت و انرژی روسیه بیش از دو میلیون نفر را استخدام کرده است علاوه بر آن نیز تأمین بیش از 20 درصد از تولید ناخالص داخلی، 50 درصد از صادرات و بیش از 40 درصد از بودجه کشور را این بخش به خود اختصاص داده است (Novikau, 2020). بنابراین جایگاهی که این حوزه در عملکرد کلی کشور ایفا می‌کند بسیار حائز اهمیت می‌باشد بنابراین می‌توان بیان داشت که هیدروکربن‌ها اساس مدل اقتصادی فعلی روسیه هستند هر چند اخیراً درآمدهای صادرات نفت و گاز همچنان تقریباً یک چهارم تولید ناخالص داخلی، 40 تا 50 درصد (بسته به قیمت نفت) را تأمین می‌کند علاوه بر آن نیز از درآمدهای بودجه فدرال، 65 تا 70 درصد درآمدهای خارجی حاصل از صادرات، و تقریباً یک چهارم کل سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی مربوط به این دو حوزه (نفت و گاز) می‌باشد. بنابراین در جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که انرژی بیشترین سهم را در درآمد دولت در روسیه دارد، که از دو منظر فرصت و تهدید قابل ارزیابی می‌باشد اولاً، از حیث فرصت سبب افزایش کیفیت زندگی و درآمد جمعیت، کاهش سطح فقر، تسریع توسعه فناوری کشور و مراقبت از محیط زیست می‌شود. ثانیاً، از منظر تهدید نیز اقتصاد فدراسیون روسیه در برابر نوسانات قیمت نفت و گاز بسیار آسیب‌پذیر است، زیرا منبع اصلی درآمد روسیه از صادرات نفت و گاز بوده از این رو کاهش قیمت جهانی نفت و اعمال تدابیر محدودکننده اتحادیه اروپا علیه فدراسیون روسیه منجر به کاهش ارزش روبل روسیه شده است. سقوط روبل از نیمه دوم سال 2014 باعث ایجاد یک بحران مالی در فدراسیون روسیه شده که این بحران مالی بر اقتصاد روسیه، مصرف‌کنندگان و شرکت‌ها تأثیر گذاشته است پدیده‌ای که اکنون بعد از جنگ اوکراین انتظار می‌رود تکرار شود (Jaller-Makarewicz & Williams-Derry, 2022). وابستگی بیش از حد اقتصاد روسیه به انرژی سبب شده است تا استراتژی انرژی این کشور هر پنج سال یکبار تجدید شود. در سال 2020، دولت فدراسیون روسیه "استراتژی انرژی روسیه تا سال 2035" را تصویب کرد. این سند ضمن تعریف اولویت‌های راهبردی کشور در این زمینه تلاش دارد تا شاخص‌های مورد نیاز برای توسعه بلندمدت بخش انرژی را مشخص کند از این رو در سال‌های آینده، روسیه قصد دارد صادرات انرژی خود را متنوع کند، زیرساخت‌های انرژی خود را مدرن‌سازی و توسعه دهد، به استقلال فن‌آوری دست یابد و رقابت‌پذیری بخش انرژی را تقویت کند. به منظور دستیابی به اهداف پیشنهادی، بهبود بهره‌وری، دسترسی و کیفیت تأمین انرژی، افزایش تولید LNG و توسعه تولید و مصرف هیدروژن، استفاده از فناوری‌های دیجیتال در بخش انرژی برنامه‌ریزی شده است زیرا برای روسیه، انرژی منبع قدرت اقتصادی و سیاسی است (Morningstar et al., 2020).

4. دیپلماسی انرژی روسیه و محورهای آن

نفت و گاز به عنوان مهمترین منابع انرژی در جهان امروز نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد کشورها ایفا می‌کنند و همین مهم سبب شده تا کشورها به عنوان ابزاری برای نفوذ و گسترش قدرت از آن استفاده کنند و اقدام به اتخاذ دیپلماسی انرژی در سیاست خارجی خود نمایند از این رو در تعریف دیپلماسی انرژی می‌توان بیان داشت که «کنش متقابلی است که معطوف به نگاه بلندمدت و راهبردی به بسط همکاری بین المللی و جهانی انرژی و بر بستری از همکاری بین المللی، ابزار تشویق و حمایت از سرمایه‌گذارانه‌ای چندجانبه در زمینه تولید و تجارت است» (Karimipour et al., 2017) و این مورد در سیاست خارجی روسیه بسیار پررنگ می‌باشد زیرا این کشور توانسته، نقش نفت و گاز

را به عنوان یک ابزار در سیاست خارجی خویش نهادینه کند از این رو پوتین تلاش می‌کند تا با همگرایی اقتصادی که محور آن نیز بر انرژی قرار دارد، مدل جدیدی از امپراتوری شوروی را احیا کند.

چرا که رهبران روسیه می‌دانند که به واسطه پتانسیل بالای منابع نفت و گاز در این کشور، می‌توانند از آن به عنوان یک عنصر تأثیرگذار در اعمال نفوذ خود بر کشورهای که مصرف کننده انرژی روسیه هستند، استفاده کنند. همچنین افزایش روزافزون مصرف انرژی و نیز عدم کشف جایگزین سوخت‌های فسیلی از دغدغه‌های عمده کشورهای صنعتی جهان است. اهمیت حیاتی نفت و گاز سبب شده که کنترل آن به عنوان یکی از عناصر اصلی در سیاست خارجی روسیه تبدیل شود. روسیه در سیاست خارجی با استفاده از توانایی خویش در انرژی، خواهان افزایش روابط اقتصادی، تقویت نفوذ و حضور خود در صنایع تولیدی نفت و گاز دیگر کشورها و سازمانهای بین‌المللی و ارتقاء توانایی و ایجاد ظرفیت در صادرات و ترانزیت نفت و گاز و تأثیرگذاری در بازار مصرف است. بنابراین بر اساس مطالب فوق می‌توان بیان داشت که دیپلماسی انرژی ابزاری است که می‌تواند روسیه را در دستیابی به منافع ملی خویش در منطقه آسیا به خوبی یاری بخشد. در واقع با توجه به همبستگی دو عرصه سیاست و اقتصاد در دیپلماسی انرژی و قابلیت‌های متعددی که در این زمینه برای توسعه همکاریها وجود دارد، می‌توان گفت روسیه با استفاده از دیپلماسی انرژی و تلاش برای گسترش همکاری‌های اقتصادی بر پایه انرژی، در صدد دستیابی به منافع ملی گسترده خود در این منطقه است. در واقع امروز دیپلماسی انرژی، ابزار مهمی برای ارتقاء بازاریابی اقتصادی، مشارکت در اقتصاد جهانی، حفظ نفوذ ژئواستراتژیک روسیه شده است (Hyun, 2012) که عمدتاً حول سه محور آسیا-چین، اروپا و آسیای مرکزی می‌چرخد.

4-1. آسیا و چین

تفکر رهبران امروز روسیه در قبال چین، یافتن فرصت‌هایی برای مبادله اقتصادی و بنیان نهادن احساس اعتماد و همکاری متقابل میان دو طرف است. به عبارت دیگر، روس‌ها نیازمند ایجاد حس اعتماد متقابل با چینی‌ها هستند و در این راستا، انرژی بهترین و کارآمدترین گزینه برای ایجاد همکاری متقابل است. از نگاه مسکو تلاش چین برای تنوع‌بخشی به منابع گاز خود هم دارای نقاط منفی و هم مثبت است. از یک سو، با تنوع بخشی به واردات، منابع گاز روسیه تنها یک بخش از انرژی مورد نیاز چین را تأمین می‌کند که در واقع با هدف کاهش تهدیدات استراتژیک از سوی چین دنبال می‌شود و روسیه باید پیش از هر عرضه کننده دیگری، جای خود را در سبد انرژی چین پیش از اینکه شکاف تقاضا- عرضه پر شود، به دست بیاورد. اما در چنین شرایطی، قدرت مذاکره روسیه نه تنها به وسیله قیمت یا مسیر لوله این کشور تعدیل می‌شود، بلکه سایر منابع واردات چین و همچنین منابع داخلی دیگر این کشور، می‌توانند تعیین کننده باشند (Henderson, 2019). بنابراین متنوع‌سازی خریداران نفت و گاز روسیه در شرق آسیا به این کشور کمک می‌کند تا ضمن عدم وابستگی شدید به چین، قیمت بالاتری از این کشورها در ازای فروش نفت مطالبه کند (Brown, 2016). به همین دلیل هم روسیه دارای خطوط لوله متعددی برای انتقال گاز به چین است، در حال حاضر تمرکز دیپلماسی انرژی روسیه بر انتقال گاز از خط لوله آلتای و خط لوله سیبری به چین است. در واقع با توجه به اینکه خط لوله آلتای، یک منبع گاز واحد را به دو سوی روسیه یعنی اروپا و آسیا متصل می‌کند، استفاده از این اهرم می‌تواند تلاش‌های هر دو مصرف‌کننده را برای تضعیف جایگاه روسیه با شکست مواجه سازد. از نقطه نظر تجاری نیز خط لوله آلتای، برای گاز پروم این مزیت را دارد که بتواند از دسترسی به عرضه گاز در غرب سیبری استفاده کند تا هم عرضه داخلی را بهبود بخشد و هم هزینه‌های کمتری برای صادرات گاز بپردازد تا در رقابت قیمت بتواند بازار چین را به دست آورد.

4-2. اتحادیه اروپا

با توجه به اینکه روسیه تامین کننده اصلی منابع انرژی اتحادیه اروپا است، بخش انرژی تا حد زیادی بر تحول روابط اقتصادی بین اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه تأثیر می‌گذارد. داده‌های آماری سال 2020 نشان داد که 43.20 درصد از کل مقدار گاز طبیعی وارداتی، 25.85 درصد از واردات نفت و 53.96 درصد از واردات زغال سنگ از فدراسیون روسیه بوده است. روسیه کشوری است که دارای بزرگترین ذخایر گاز در جهان است و می‌تواند نیازهای کنونی اروپا را تامین کند (Mäe, 2020) از این رو بر اساس میزان وابستگی آن‌ها به منابع انرژی به روسیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا به سه دسته تقسیم می‌شوند. گروه اول شامل کشورهای عضوی است که به منابع وارداتی از روسیه وابسته نیستند. اینها کشورهایی مانند بلژیک، فرانسه، پرتغال، اسلونی، اسپانیا، سوئد هستند. دسته دوم شامل کشورهای عضوی مانند ایتالیا، آلمان، یونان، فنلاند، رومانی، لهستان و لیتوانی است که تا حدی به منابع انرژی روسیه وابسته هستند و دسته سوم شامل کشورهایی است که تا حد زیادی به منابع طبیعی وابسته هستند. که از فدراسیون شوروی، یعنی بلغارستان، جمهوری چک، مجارستان، لتونی، اسلواکی قرار دارند. متناسب با این تقسیم‌بندی روسیه نیز از سه مسیر اصلی به تامین انرژی این کشورها مبادرت می‌کند، خط لوله اوکراین، مسیر یامال-اروپا به بلاروس و لهستان، و خط لوله گاز نورد استریم که روسیه و آلمان را از طریق دریای بالتیک و با دور زدن کشورهای ترانزیتی به هم متصل می‌کند. در حال حاضر چهار خط لوله وجود دارد که گاز طبیعی روسیه از طریق آن‌ها مستقیماً به اتحادیه اروپا می‌رسد. خط لوله گاز روسیه گاز روسیه را به آلمان منتقل می‌کند و از طریق سه خط لوله دیگر گاز به لتونی، استونی و فنلاند می‌رسد. با این حال، مقدار زیادی گاز از طریق خطوط لوله بلاروس و اوکراین به اتحادیه اروپا تحویل داده می‌شود. ساخت پروژه بحث برانگیز نورد استریم 2 در سپتامبر 2021 به پایان رسید. با این حال، در حال حاضر امکان عبور گاز از اتحادیه اروپا از طریق این خط لوله وجود ندارد، زیرا ابتدا مجوزهای قانونی بیشتر و مهر تأیید فنی لازم است. در فوریه 2022، به دلیل بحران اوکراین، آلمان روند تصویب خود را متوقف کرد (European Commission, 2022).

4-3. آسیای مرکزی و قفقاز

توجه به منطقه‌ی آسیای مرکزی بر خلاف دو محور فوق از دو جهت حائز اهمیت می‌باشد اولاً، برای کشورهای آسیای مرکزی روسیه طبیعی‌ترین شریک در همکاری صنعتی، تشکیل خوشه‌های لجستیک، شریان‌های انرژی و ظرفیت ترانزیتی است که نه تنها به دلیل اتصالات زیرساخت‌های تاریخی، بلکه همچنین به‌عنوان با ثبات‌ترین کشور در میان کشورهای اطراف آسیای مرکزی، اعم از شرکای جنوبی و غربی، است که به‌نوبه خود انگیزه لازم برای ایجاد همکاری در تمامی ابعاد را فراهم می‌نماید (Ануфриева & Подчуфаров, 2018)؛ ثانیاً برای روسیه نیز توجه به آسیای مرکزی از جنبه‌ی تلاش دولت روسیه در جهت کنترل صادرات انرژی از کشورهای اوراسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی در راستای استراتژی بازسازی جایگاه ابرقدرتی، تبدیل شدن به ابرقدرت انرژی، استفاده سیاسی از این ابزار و فشار بر غرب در راستای دیپلماسی خود است به عنوان مثال می‌توان در کمترین تخمین 17/2 و در بیشترین تخمین 49/7 میلیارد بشکه دخایر شناخته شده یا 5 درصد از کل دخایر شناخته شده نفت جهانی و همچنین 6/65 تریلیارد متر مکعب یا 3/8 درصد از کل دخایر جهانی گاز را دارد (Farhadi, 2016). بنابراین در جمع‌بندی از طرح اقتصادی انرژی می‌توان بیان داشت روسیه در کوتاه مدت، در صدد احیای نفوذ این کشور بر جمهوری‌های شوروی سابق، کشورهای اروپای شرقی - مرکزی و معکوس کردن روند حرکت آن‌ها در همگرایی بیشتر با ساختارهای غربی و ناتو است و

در درازمدت نیز به دنبال تضعیف نفوذ امریکا در قاره‌ی اروپا و حیات خلوت خود با استفاده از انرژی موجود در منطقه است (Karimipour et al., 2017).

5. بررسی رابطه انرژی و دیپلماسی در سیاست خارجی روسیه

دیپلماسی انرژی یک حوزه دیپلماتیک رو به رشد است که هدف آن تامین امنیت انرژی است. انرژی در نتیجه تاثیر فزاینده آن بر امنیت ملی و اقتصاد وارد حوزه دیپلماسی و سیاست خارجی شده است. انرژی، اقتصاد را تقویت می‌کند. جریان بی وقفه آن، به سمت داخل برای کشورهای واردکننده، و به خارج برای صادرات، باید همیشه تامین شود. تا چند دهه آخر قرن بیستم، مسئله انرژی به عنوان یک موضوع فوری و ژئوپلیتیک مورد بررسی قرار نمی‌گرفت. در دسترس بودن، مقرون به صرفه بودن و عرضه یک مسئله امنیتی نبود. ظرفیت تولید و مصرف صنعتی کمتر بود و حرکت انرژی عموماً ایمن و قابل اعتماد به حساب می‌آمد اما در طول انقلاب صنعتی، نیاز فزاینده به انرژی با سرعت قابل توجهی افزایش یافته و در قرن بیستم این روند تشدید شده است. تنها در 50 سال گذشته، بین 1971 و 2017 کل عرضه انرژی اولیه جهان بیش از 250 درصد از Mtoe 5,519 به Mtoe 13,972 افزایش یافته است. این تغییر وضعیت باعث ایجاد یک سری عوامل شد که انرژی و دیپلماسی مربوط به آن را در دستور کار امنیت ملی قرار داده است به گونه‌ای که امروزه ادارات امنیت ملی در سرتاسر جهان از نزدیک تشدید شدید مصرف انرژی را زیر نظر دارند. مصرف کننده مدرن و اقتصاد معاصر به تدریج به انرژی وابسته شده‌اند. انرژی مترادف اقتصاد و قدرت شده و نداشتن آن به دغدغه حداکثری امنیت ملی تبدیل شده است. همین مسئله زمینه لازم را برای سازماندهی کشورهای تولیدکننده نفت و گاز با هم در قالب ائتلافی شده است که از منابع انرژی برای حمایت از اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی خود استفاده می‌کنند این موضوع شرکت‌های نفت و گاز را به برخی از تأثیرگذارترین سازمان‌ها در عرصه تجارت جهانی و تأثیرگذار بر قدرت تبدیل کرده است بنابراین می‌توان بیان داشت که رابطه کلی بین سیاست خارجی و دیپلماسی انرژی از نظر مفهومی رابطه اصلی و عاملی است. سیاست خارجی اهداف و استراتژی کلی سیاست را تعیین می‌کند در حالی که دیپلماسی انرژی، مکانیزم لازم را برای دستیابی به این اهداف فراهم می‌آورد (Bovan et al., 2020).

بنابراین بر اساس یافته‌ای فوق می‌توان بیان داشت که درک ارتباط نزدیک بین سیاست خارجی و انرژی برای اولین بار در سند استراتژی انرژی فدراسیون روسیه در سال 2003 انعکاس پیدا کرد علاوه بر آن نیز بهبود موقعیت روسیه در سیستم بین‌المللی از طریق استفاده هوشمندانه از منابع انرژی نیز یکی از اهداف کلیدی استراتژی انرژی در سند 2030 شده است. علاوه بر این، پروژه استراتژی آینده انرژی روسیه¹ - 2035 نیز نشان داده است که یک هدف کلیدی جدید سیاست انرژی برای سال‌های آینده تقویت موقعیت روسیه در بازارهای جهانی انرژی می‌باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیاست انرژی روسیه اغلب مؤثر واقع شده است زیرا رئیس جمهور و نخست وزیر روسیه مستقیماً در فرآیند تصمیم‌گیری تولیدکنندگان و توزیع کنندگان نفت و گاز دولتی دخالت دارند. بنابراین ارتقای منافع ملی روسیه از طریق استفاده از ابزار انرژی، برنامه درسی - آموزشی دیپلمات‌های آینده را تشکیل می‌دهد (Bovan et al., 2020). به عنوان مثال، هدف اصلی موسسه بین‌المللی سیاست انرژی و دیپلماسی²، که در سال 2000 تاسیس شد، آماده‌سازی دیپلمات‌ها در حوزه انرژی است به همین دلیل از سال 2010،

1. Future Russian Energy Strategy

2. International Institute of Energy Policy and Diplomacy

دوره "دیپلماسی انرژی روسیه" بخشی از برنامه آموزشی در تمام دانشگاه‌های مربوطه شد. در واقع، دیپلماسی انرژی روسیه امروز بعد نهادی دارد و بسیاری از ویژگی‌ها و روش‌های کاری شوروی را در عرصه بین‌المللی حفظ کرده است:

الف- مذاکره سخت:^۱ مذاکره سخت را می‌توان موضع سازش ناپذیر روسیه در طول مذاکرات دانست که بر دستیابی به نتایج از پیش تعیین شده متمرکز شده است که مؤلفه‌های از جمله بیان سخت مسائل، مسدود کردن گزینه‌ها و حداقل بحث داغ با عناصری از فشار تحمیل شده بر طرف مقابل شاکله‌ی اصلی آن را تشکیل می‌دهد به عنوان مثال مذاکرات اتحادیه اروپا، اوکراین و روسیه در خصوص بسته گازی زمستانی 2015/2014 نمونه‌ای گویا از این رویکرد است. پس از 7 دور مذاکرات طولانی بین روسیه و اوکراین که توسط کمیسیون اروپا تسهیل شد، بر روی یک "بسته زمستانی" 4.6 میلیارد دلاری برای تامین گاز اوکراین و اتحادیه اروپا توافق شد. سازماندهی چنین مذاکراتی قبل از فصل زمستان دشوار بود. بدون شک روسیه به چندین مورد از مهمترین اهداف خود دست یافت. اول از همه، گازپروم اوکراین را مجبور کرد تا 3.1 میلیارد دلار بدهی خود را به طور کامل پرداخت کند. دوم، توافقنامه تصریح می‌کند که روسیه تنها بر اساس پیش پرداخت به اوکراین گاز عرضه می‌کند. سوم، قیمت گاز برای اوکراین در سطح 385 دلار بر متر مربع باقی ماند. سپس اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول ضامن اوکراین شدند. موفقیت روسیه در مذاکرات عمدتاً به دلیل موقعیت بسیار دشواری بود که دیپلماسی اروپایی در آن زمان با آن روبرو بود. قبل از دوره فعال مذاکرات اتحادیه اروپا، روسیه و اوکراین، تست فشار گاز انجام شد. بر اساس نتایج این آزمایش، اروپای مرکزی و جنوب شرقی آسیب پذیرترین کشورها در بحران خواهند بود. بنابراین، اولاً، باید مصالحه‌ای در مناقشه گاز روسیه و اوکراین پیدا کند و ثانیاً خطرات ناشی از محدودیت یا وقفه در عرضه گاز روسیه به اروپا را به حداقل برساند. همه اهداف در همان زمان محقق شد که دیپلمات‌های اروپایی همه شروط همتایان روسی خود را پذیرفتند (Slobodian, 2017).

ب- مدیریت منازعه:^۲ رویکرد رایج دیپلماسی روسیه ایجاد و استفاده از درگیری با شرکا است. این ایده در کتاب جیمز شر با عنوان "دیپلماسی سخت و اجبار نرم: نفوذ روسیه در خارج از کشور" به تفصیل شرح داده شده است. این کارشناس انگلیسی درگیری در مورد بدهی 4 میلیارد دلاری جمهوری خودخوانده ترانسنیستریا به گازپروم را مورد بحث قرار داد. معاون نخست‌وزیر فدراسیون روسیه، دیمیتری روگوزین، گزارش داده است که اگر کیشینو ترانسنیستریا را به رسمیت نشناسد، بدهی گاز مصرف‌شده توسط ترانسنیستریا به وظیفه مولداوی تبدیل می‌شود و کیشینو باید پرداخت کند. با پیروی از این منطق، مولداوی باید مسئولیت سیستم ایجاد شده توسط روسیه را در برابر مخالفت‌های خود بپذیرد. رویکرد مشابهی توسط گازپروم در مورد منطقه جدایی طلب شرق اوکراین مورد بهره‌برداری قرار گرفت. قصد واقعی روسیه از استفاده این استراتژی ایجاد اولویت بین‌المللی در مورد وضعیت دونباس بود. اگر اوکراین از پرداخت بدهی‌های منطقه امتناع می‌کرد، به طور ضمنی ادعاهای روسیه در مورد منطقه مورد مناقشه را تأیید می‌کرد (Reinhardt & Pronichkin, 2018).

ج- تبادل سیاسی:^۳ ابزار بعدی دیپلماسی انرژی روسیه را باید تبادل سیاسی نامید. به احتمال زیاد این روش مورد علاقه پوتین برای دستیابی به اهدافش است. پس از دو بحران گاز (2006 و 2009)، مقامات اوکراین مجبور شدند قیمت گاز را به شدت افزایش دهند (اما همچنان با تخفیف). در واقع، قیمت پایین گاز سنگ بنای اقتصاد اوکراین بود که بسیار انرژی بر است. در سال 2010، روسیه و اوکراین یک قرارداد ده ساله جدید امضا کردند که به اوکراین 30 درصد تخفیف در قیمت گاز در ازای تمدید 25 ساله اجاره نامه ناوگان دریای سیاه روسیه در

1. Hard-bargaining negotiation

2. Conflict management

3. Political exchange

سواستوپل پیشنهاد می‌کرد. این مثال توانایی روسیه را در استفاده از منابع انرژی خود به عنوان ابزاری برای تبادل سیاسی در دستیابی به اهداف سیاست خارجی نشان می‌دهد (Godzimirski, 2022).

د- سرکوب رقیب: روسیه نه تنها تامین کننده گاز و نفت اروپا است. در حال حاضر، شبکه‌ای به طول 8000 کیلومتر از خطوط لوله زیر آب بین مناطق تولید گاز نروژ و آلمان، بریتانیا، فرانسه و بلژیک به وجود آورده است. بنابراین می‌توان بیان داشت که، کانون توجه دیپلماسی انرژی روسیه، رقبای مستقیم آن در بازارهای نفت و گاز اروپا است که عمدتاً نروژ را شامل می‌شود. رویکرد "سرکوب رقیب" اغلب توسط دیپلمات‌های روسی استفاده می‌شود. در این زمینه، ذکر مورد الحاق کریمه بسیار مهم است. درگیری اوکراین دیگر محلی نیست، بلکه بخشی از یک بحران عمیق در روابط بین غرب و روسیه است. عدم اطمینان در مورد سیاست و منافع روسیه در حال افزایش است و این نگرانی وجود دارد که بحران ممکن است تشدید شود و در کشورهای بالتیک، نواحی شمالی و حتی استان قطب شمال نروژ یعنی سوالبارد کشیده شود. در مورد وضعیت سوالبارد این وضعیت را خطرناک‌تر و کمتر قابل پیش‌بینی می‌کند. به همین ترتیب، سوئد نیز تحت فشار دیپلماسی انرژی روسیه است (Slobodian, 2017).

در دیپلماسی انرژی، توافقات چند جانبه کمتری نسبت به بسیاری از بخش‌های دیگر سیاست، کشورها را ملزم می‌کند. در حالی که روسیه عضو سازمان تجارت جهانی است، مقررات WTO فقط پیامدهای جزئی برای تجارت انرژی دارد. از سال 2009، روسیه مفاد پیمان منشور انرژی چندجانبه¹ را، که در ابتدا در سال 1994 امضا کرد اما هرگز تصویب نکرد، و تجارت، سرمایه‌گذاری، ترانزیت و کارایی انرژی را تنظیم می‌کند و دارای مکانیسم حل و فصل اختلافات است، اعمال نمی‌کند (Farhadi & Abbasi Ghadi, 2022). در نتیجه، در کنار موافقت‌نامه‌های عرضه دوجانبه، اعلامیه‌ها و یادداشت‌های تفاهم با مشتریان و کشورهای شریک، عمدتاً قوانین و مقررات داخلی را می‌یابیم که زیربنای دیپلماسی انرژی روسیه است. مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه در نظر دارد "... مشارکت استراتژیک این کشور با تولیدکنندگان عمده منابع انرژی را در حالی که فعالانه گفتگو با مصرف کنندگان و کشورهای ترانزیتی را ترویج می‌کند" تقویت کند. هدف استراتژی انرژی روسیه تا سال 2035، تنوع بخشیدن به صادرات انرژی روسیه از بازارهای اصلی اروپا به آسیا است، جایی که 12 تا 23 درصد از صادرات نفت و 6 تا 31 درصد از صادرات گاز طبیعی در نظر گرفته شده است. فروش گاز طبیعی به چین و نیاز به گفتگوهای بیشتر انرژی در آسیا ذکر شده است. در راستای افزایش جایگاه آسیا در دیپلماسی انرژی روسیه، در می 2014، گازپروم و شرکت چینی CNPC بر سر قرارداد خرید و فروش برای تجارت متقابل گاز طبیعی توافق کردند که از سال 2017 شروع شده و در نهایت از طریق خط لوله Power of Siberia به 38 میلیارد متر مکعب در سال می‌رسد. پیش از این در سال 2014، کمیسیون اروپا توافقات دوجانبه روسیه با چندین کشور ترانزیتی پروژه خط لوله گاز طبیعی استریم جنوبی تحت رهبری گازپروم به اروپای جنوب شرقی را به دلیل نقض احتمالی قانون رقابت اتحادیه اروپا به چالش کشید. در پاییز 2014 روسیه این پروژه را لغو کرد. مقررات فزاینده بازارهای انرژی اتحادیه اروپا، و محفوظات سیاسی پس از درگیری روسیه و اوکراین، همراه با تقاضای رو به رشد در آسیا، دیپلماسی انرژی روسیه را به سمت شرق سوق می‌دهد تا تقاضا را تامین کند. تفاوت در قوانین و مقررات رسمی که بازیگران روسی در بازارهای اتحادیه اروپا و بازارهای نوظهور شمال شرق آسیا با آن مواجه می‌شوند، می‌تواند در نهایت از بین برود، زیرا این بازارها رقابت بیشتری را در بخش انرژی وارد می‌کنند (Alato, 2016). به طور کلی، سیاست انرژی روسیه در میان مدت به طرق مختلف به چالش کشیده خواهد شد: تغییر جهانی به سمت LNG به

¹. multilateral Energy Charter Treaty

عنوان وسیله‌ای برای تجارت گاز در سراسر جهان. الزام به مدرن‌سازی زیرساخت‌های روسیه به منظور حفظ رقابت‌پذیری انرژی؛ ضرورت دور شدن از اقتصاد تک بعدی؛ و نیاز به روی آوردن به انرژی‌های تجدیدپذیر. با این حال، «سیاست انرژی» روسیه احتمالاً جزء حیاتی سیاست خارجی این کشور باقی خواهد ماند (Pierini, 2019).

تجزیه و تحلیل روابط روسیه با کشورهای پس از شوروی نشان می‌دهد که استفاده از ابزار انرژی مکانیسمی انتخابی به حساب می‌آید زیرا تصمیم‌گیرندگان مسئول، آزادانه شرایطی را که استفاده از ابزار را تعیین می‌کند تفسیر می‌کنند. به عنوان مثال، در سال 2006 عرضه گاز به اوکراین به دلیل عدم توافق متوقف شد، در حالی که در سال 2007 گاز بدون امضای رسمی به بلاروس عرضه شد (Česnakas, 2016).

6. طرح ترانزیت انرژی روسیه

دمیتری مدودف¹ و ولادیمیر پوتین، طی سال‌های 2009 تا 2020 در قالب «استراتژی امنیت ملی» ذخایر طبیعی و انرژی‌های فسیلی را به عنوان ابزاری حیاتی و راهبردی در سیاست خارجی روسیه در نظر گرفته‌اند (*Текст Стратегии национальной безопасности Российской Федерации до, года, 2020*) ادعایی با این مضمون که منابع انرژی عاملی مهم در خدمت توسعه اقتصادی و ابزاری استراتژیک برای پیاده‌کردن سیاست‌های داخلی و خارجی روسیه است، مورد تأیید قرار گرفته است. تحلیل اسناد در حوزه انرژی در دوره مدودف و پوتین نشان می‌دهد که هدف روسیه در چارچوب آیین سیاست انرژی، بازیابی نقش ابرقدرتی خود در نظام بین‌الملل است. لذا روسیه در این راستا دست به دو اقدام اساسی زد اولاً، در دو دوره نخست ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین (2000-2008) و با افزایش قیمت بالای انرژی در جهان پوتین تلاش‌های خود را در جهت بازیابی کنترل دولت بر روی شرکت‌های نفت و گاز روسیه به کار برد. از این‌رو، در سال 2005، دولت روسیه سهامدار اصلی گازپروم² شد در این ارتباط، پوتین در سال 2005 مفهوم جدیدی از «انرژی فرادولتی» را معرفی نمود و از نیت مسکو در رابطه با استفاده از مواضع غالب خود در بازار انرژی و انحصار ذخایر گازی پرده برداشت تا بتواند موضع بین‌المللی خود را در برابر کشورهای اروپایی و جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی تقویت کند (Omelicheva, 2018). ثانیاً، شاهد تلاش دولت روسیه در جهت کنترل صادرات انرژی از کشورهای اوراسیای مرکزی به بازارهای بین‌المللی در راستای همین استراتژی بازسازی جایگاه ابرقدرتی هستیم. این امر مستلزم تنوع بازارها در مسیرهای ترانزیتی انرژی از روسیه به دیگر نقاط جهان قابل تصور است:

6-1. خطوط لوله به سمت شمال

الف- خط لوله برادری³: این خط لوله در سال 1958 برای تامین انرژی متحدان در بلوک کمونیست طراحی شده و در سال 1964 افتتاح گردید که 80 درصد از گاز طبیعی روسیه را از طریق اوکراین به این کشورها ترانزیت می‌کرد به گونه‌ای که این خط لوله یکی از ستون‌های اصلی سیستم انرژی اروپا بوده و خوراک مستقیم بیش از دوازده پالایشگاه این کشورها را فراهم می‌کند پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، این خط لوله زنده ماند، اما تنش‌های مکرر بین اوکراین و روسیه منجر به جستجوی مسیرهای جایگزین، هم به سمت شمال و هم به جنوب شد (Pierini, 2019).

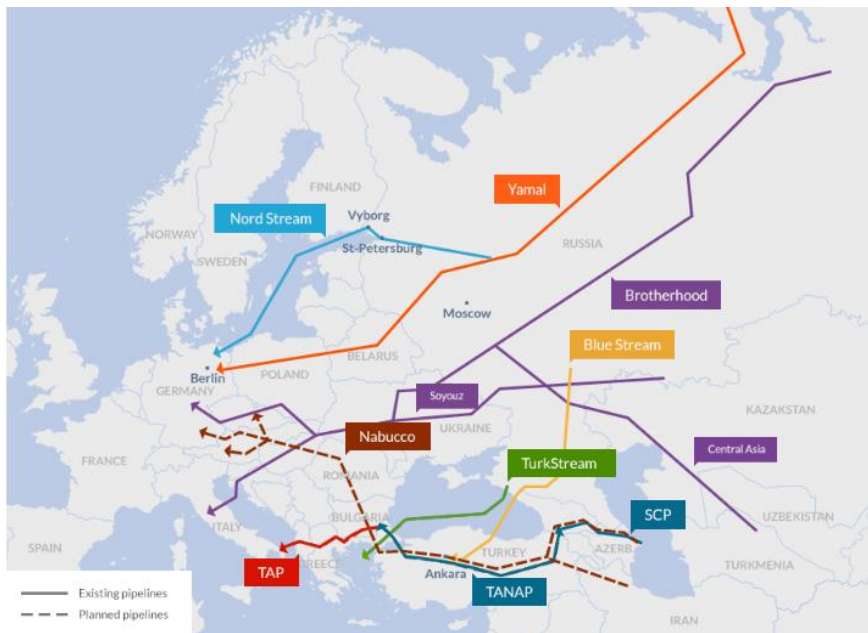
4. Dmitry Medvedev

2. Gazprom

3. Brotherhood/ DRUZHBA PIPELINE

ب- خط لوله یامال^۱: یامال (4000 کیلومتر) واقع در شمال، از بلاروس و لهستان می‌گذرد. حمل و نقل از این مسیر تا سال 2006 به تدریج افزایش یافت.

ج- خط لوله نورد استریم^۲: از سال 2005، روسیه و آلمان ساخت یک خط لوله گاز را برای اتصال مستقیم دو کشور آغاز کردند که از زیر دریای بالتیک عبور می‌کند و بلاروس، اوکراین و لهستان را دور می‌زند. نورد استریم (1230 کیلومتر) در سال 2011 افتتاح شد. دومین خط لوله به نام نورد استریم^۲ که خط لوله اول را ادامه می‌دهد تکمیل شده است، اما به دلیل جنگ روسیه و اوکراین راه اندازی در سال 2022 به حالت تعلیق درآمد.



شکل 1. خطوط گاز روسیه به سمت اروپا (به سمت شمال)

6-2. خطوط لوله به سمت جنوب

الف- خط لوله جریان آبی^۳: از سال 2003، خط لوله بلو استریم (1213 کیلومتر - 400 کیلومتر آن زیر دریای سیاه) ترکیه را تامین می‌کند. روسیه در حال برنامه‌ریزی برای توسعه ظرفیت زیر دریای سیاه با خط لوله استریم جنوبی بود که مستقیماً تا مرکز اروپا طراحی شده بود، اما این پروژه را در پایان سال 2014 رها کرد. این طرح در واقع شاخه دوقلو نورد استریم بود که اوکراین را دور می‌زد.

ب- خط لوله ترک استریم^۴: روسیه از پروژه ساده‌تری عقب‌نشینی کرد. در ژانویه 2020، ترک استریم را افتتاح کرد و جمع‌آوری گاز در مرز ترکیه و یونان به عهده کشورهای اروپایی بود (Götz, 2020).

1. Yamal
2. Nord Stream
3. Blue Stream
4. Turk Stream

ج- خطوط لوله نفت: در حالی که اتکای اروپا به گاز طبیعی روسیه به منبعی برای نگرانی فزاینده تبدیل شده است، این قاره همچنین برای 30 درصد نفت خود به روسیه وابسته است، که با وجود تهاجم به اوکراین اجازه داده شده به جریان خود ادامه دهد. بیشتر نفت و فرآورده‌های نفتی مرتبط از طریق دریا وارد می‌شود، اما بزرگترین جریان نفت خام روسیه به اروپا - تقریباً یک میلیون بشکه در روز - از طریق خط لوله 5000 کیلومتری Druzhba (دوستی) از آلتیفسک در مرکز روسیه به پالایشگاه‌های بلاروس، لهستان، آلمان، اسلواکی، جمهوری چک و مجارستان می‌رسد.



بررسی اهمیت انرژی، ترانزیت آن و مسیرهای این ترانزیت همگی حکایت از توجه جدی سیاست خارجی روسیه به مسئله انرژی به مثابه یک ابزار سیاسی است شاید به این دلیل است که پیامدهای تجاوز سال 2014 به اوکراین، اعتماد به روسیه به عنوان یک شریک استراتژیک را تضعیف کرده و نگرانی‌ها را در راستای افزایش استفاده سیاسی و ابزاری از منابع انرژی را دو چندان نموده است، در حالی که دیگران معتقدند که به دلیل نیاز به کاهش تغییرات آب و هوایی، نه تنها روسیه، بلکه همه سوخت‌های فسیلی باید ممنوع شود. تنش‌های سیاسی فزاینده در روابط با اتحادیه اروپا از عوامل افزایش توجه روسیه به فرصت‌ها در بازار رو به رشد انرژی آسیا بوده است. روسیه با صادرات بیشتر منابع انرژی خود به آسیا، خاصه چین، می‌تواند دسترسی به منابع مالی برای توسعه زیرساخت‌های انرژی جدید به بازارهای آسیایی را تضمین کند (Godzimirski, 2022).

بنابراین در جمع‌بندی از طرح اقتصادی انرژی می‌توان بیان داشت که در سیاست خارجی روسیه در کوتاه مدت، احیای نفوذ این کشور بر جمهوری‌های شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی و مرکزی و معکوس کردن روند حرکت آن‌ها در همگرایی بیشتر با ساختارهای غربی و ناتو و در درازمدت تضعیف نفوذ امریکا در قاره اروپا است (Karimipour et al., 2017). از این رو روسیه همواره تلاش دارد تا فارغ از اهداف اقتصادی از انرژی به عنوان یک ابزار سیاسی در روابط خود با کشورهای منطقه، غرب و اتحادیه اروپا بهره‌برداری نماید.

7. اهداف سیاسی در دیپلماسی انرژی روسیه

امروزه استفاده از کارت انرژی به عنوان ابزار سیاست خارجی دولت‌ها در راستای افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی، شکل دادن به سیاست خارجی کشورهای دیگر در جهت منافع خود و ایجاد یک حوزه تاثیرگذاری مورد توجه می‌باشد، مبنی بر اینکه قدرت‌های بزرگ گاهی از طریق کمک خارجی اقدام به شکل دادن سیاست‌های کشورهای کوچک می‌کنند و گاهی اوقات این قدرت‌ها از طریق فعال‌سازی ابزارهایی مانند تحریم و بایکوت بر کشور هدف فشار می‌آورد و اخیراً نیز بهره‌گیری از مولفه‌های انرژی در راستای فشار به کشور مقصد در عرف دیپلماتیک باب شده است همان گونه که مصداق بارز استفاده سیاسی از ابزار انرژی کشور روسیه می‌باشد که این کشور از استخراج نفت و گاز طبیعی به عنوان ابزاری سیاسی مخصوصاً در مواجهه با کشورهای شوروی سابق استفاده می‌کند به قول «فینن و لکیتلاز» روسیه در این راستا مبادرت به اقداماتی از جمله: فریب دادن بازار اروپایی، خطر لغو یکجانبه قرارداد، سرمایه‌گذاری ناکافی، دور زدن بازار انرژی اروپا بعد از ساخت مسیر شمال - جنوب، انعقاد قرارداد با ترکیه برای ناامید کردن ساخت خطوط مستقیم منابع برای گاز دریای کاسپین به اروپا و حصول قرارداد با کشورهای صاحب انرژی در راستای تصاحب بازار آن‌ها کرده است (Finon & Locatelli, 2007). عملیاتی نمودن اقدامات فوق از سوی مسکو سبب شده است تا، این کشور فرصت استفاده از فشارهای سیاسی و اقتصادی بر اروپا و کشورهای حوزه اتحاد جماهیر شوروی را به دست آورد (Sönmez, 2015). مصداق بارز استفاده سیاسی روسیه از ابزار انرژی را می‌توان در خصوص اوکراین مشاهده نمود مبنی بر اینکه بعد انقلاب نارنجی 2006 و همچنین انتخابات ریاست جمهوری در 2010، روسیه به این روش متوسل شد مبنی بر اینکه روسیه در سال 2006 قصد داشت قیمت گاز برای 1000 متر مکعب از \$50 به \$230 و در 2009 از \$250 به \$418 افزایش دهد با این حال، در برابر مخالفت کیف در برابر این افزایش، روسیه انتقال گاز به اوکراین را قطع کرده و بدین ترتیب در صدد مجازات اوکراین و انقلاب رنگی شکل گرفته در آن برآمد لذا این سیاست روسیه منجر به قدرت‌گیری یانکویچ که حامی روسیه به حساب می‌آمد از طریق انتخابات 2010 شد. در 2013، اعتراضات به یانکویچ که توافق حقوق گمرکی اروپا را امضا نکرده بود منجر به بحران دیگری میان روسیه و اوکراین شد لذا روسیه در این راستا شروع به اعمال فشار بر اوکراین جهت پرداخت بدهی‌هایش نمود و در نهایت منجر به تجاوز روسیه به کریمه شد که علاوه بر آن نیز روسیه انتقال گاز به کیف را تا ژون 2014 کاهش داده و سپس کاملاً آنرا قطع نمود بررسی این موضوع نشان می‌دهد که روسیه چگونه توانسته است از ابزار انرژی سوءاستفاده سیاسی نموده و یا به عبارتی بحث انرژی را سیاسی نموده و در راستای اهداف سیاسی خود از آن استفاده نماید نماد بارز دیگر از این سوء استفاده یا استفاده سیاسی از انرژی در موضوع گرجستان نمود پیدا می‌کند که از این نظر مشابه مورد اوکراین است که تحریم‌های روسیه با یک «انقلاب رنگی» آغاز شد. «انقلاب رز» در نوامبر 2003 منجر به سرنگونی شوارد نازده گردید و جایگزین او در اوایل 2004 میخائیل ساکاشویلی شد که مورد حمایت غرب بود. روسیه خیلی زود تاسیسات گاز گرجستان را تهدید کرد و دست به اقدامات جدی‌تری نسبت به کاهش تدریجی فشار گاز زد. در 22 ژانویه 2006، تنها چند روز پس از سرگیری جریان گاز به اوکراین، هر دو خط لوله گاز به گرجستان ناگهان توسط یک سری بمب گذاری با دقت طراحی شده قطع شد. در همان زمان، خطوط برق گرجستان نیز قطع شد هر چند تا امروز کرملین هر گونه همدستی در این ماجرا را رد می‌کند، اما بسیاری از ناظران نسبت به روسیه مشکوک هستند (Newham, 2011). یکی دیگر از اقدامات مسکو که این شک و حساسیت را افزایش داد این است که اوستیای جنوبی و ابخازی، هر دو مورد حمایت «نیروهای حافظ صلح» روسیه برای استقلال از گرجستان بودند و سرپیچی آن‌ها به مسکو راه را برای افزایش فشار نظامی و سیاسی بر رهبری گرجستان مجاز می‌نمود. مسکو دست و دلبازانه برای حمایت از آن‌ها هزینه کرده است. به عنوان مثال، گازپروم حدود 600 میلیون دلار برای ساخت خطوط لوله و گاز جدید در اوستیای جنوبی هزینه کرد، منطقه‌ای با حدود 70000

نفر جمعیت بنابراین واضح است که پشت این سرمایه‌گذاری یک انگیزه سیاسی نهفته بوده است. علاوه بر آن استفاده سیاسی روسیه از انرژی در مورد جمهوری چک نیز مصداق پیدا می‌کند که در 9 جولای 2008 پس از آن که مشخص شد جمهوری چک قصد دارد توافق‌نامه‌ای با ایالات متحده جهت استقرار رادار برای ردیابی سیستم ضد موشکی امضا کند، جریان نفت روسیه از طریق خط لوله «دروژبا» به جمهوری چک رو به کاهش گذاشت. روسیه در مورد ارتباط بین «توافق‌نامه رادار» و کاهش عرضه بیانیه‌ای رسمی ارائه نکرد، اما چک و ایالات متحده آن را دلیل اصلی دانستند هر چند «ترانس نفت» هرگونه ارتباط با امضای قرارداد را رد کرده و اعلام کرد که کاهش صرفاً تجاری بوده است، زیرا «تانتفت» و «باشنفت» توزیع مجدد نفت را در پالایشگاه‌های خود آغاز کرده بودند اما بر کسی پوشیده نیست که روسیه در راستای فشار به جمهوری چک مبادرت به این کار کرده است (Федоровна, 2018). یکی دیگر از موارد جالب «قدرت انرژی» روسیه تحریم علیه کشورهای بالتیک است که مدت‌ها مسکو را با گرایش به سمت غرب عصبانی کرده‌اند. به نظر می‌رسد روسیه در حال حاضر مایل به استفاده از منابع خود برای مجازات این کشورها برای هر نوع سرپیچی اقتصادی یا سیاسی، است هرچند که این موضوع کم‌اهمیت به نظر می‌رسد. به عنوان مثال، در ژوئیه 2006، روسیه خط لوله‌ای که نفت را به پالایشگاه «Mazeikiai»، در لیتوانی تامین می‌کرد تعطیل نمود. این خط اتصال برای منطقه بسیار مهم است، زیرا بقیه کشورهای بالتیک را تغذیه کرده و همچنین بزرگترین منبع درآمد دولت لیتوانی به حساب می‌آید. به طور رسمی روسیه "نشت روغن" را عامل قطع اتصال می‌داند، نشتی که ادعا می‌شود که تعمیر آن به نوعی تا دو سال طول می‌کشد اما جالب اینجا بود که این مشکل فنی تنها پس از موافقت لیتوانی برای فروش پالایشگاه به یک شرکت لهستانی، PKN Orlen، به جای قبول پیشنهاد روسیه ظاهر شد. لیتوانی قادر به بازسازی پالایشگاه برای نفت تحویل شده از طریق دریا شد. با این حال، اندکی پس از این تصمیم تاسیسات درگیر یک آتش‌سوزی بزرگ گردید که منشأ آن نامشخص است بررسی موارد فوق و سیاست انرژی روسیه نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که این کشور اهداف دوگانه‌ای را دنبال می‌کند از یک سو سیاست افزایش قیمت برای متحدان خود مانند بلاروس و ارمنستان را مد نظر دارد، از سوی دیگر اما، قیمت‌ها را برای کشورهای متخاصم‌تر مانند اوکراین، گرجستان و مولداوی را افزایش داد است. بنابراین یک "قیچی قیمت" ایجاد شد که به مسکو اجازه می‌دهد از دو طریق منتفع شود. اول اینکه درآمد کلی خود را تا حد زیادی افزایش می‌دهد چون مشتریان بهای بیشتر پرداخت می‌کنند دوم، تفاوت قیمت زمینه را برای تنبیه دشمنان خود و پاداش به دوستان خود در یک زمان مهیا می‌سازد. در این شرایط برای بلاروس سخت است که از پرداخت بهای 100 دلار برای گاز در شرایطی که گرجستان دو برابر بیشتر پرداخت می‌کند اعتراض کند (Newham, 2011). این موضوعات گواهی می‌دهند که عامل انرژی نه تنها بر سیاست خارجی کشور روسیه تأثیر می‌گذارد، بلکه برای اهداف سیاسی نیز استفاده می‌شود، که در دنیای مدرن به یک قاعده تبدیل شده است.

نتیجه‌گیری

همراه با فرآیند جهانی شدن و افزایش اهمیت توسعه‌ی اقتصادی، کشورها تلاش دارند تا با اتخاذ طرح‌ها و برنامه‌های مختلف منافع ملی خود در ابعاد اقتصادی و در مناطق مختلف دنبال کنند یکی از این طرح‌ها «طرح دیپلماسی انرژی روسیه» است طرحی که دارای دو هدف عمده است اولاً، روسیه تلاش دارد با بهره‌برداری از انرژی به اقتصاد داخلی خود سروسامان داده و ثانیاً، از این نوع دیپلماسی به عنوان یک ابزار سیاسی در ارتباط با غرب و اتحادیه اروپا بهره‌برداری نماید بنابراین مهم‌ترین انگیزه‌ی روسیه از طرح فوق عبارتند از محاسبات ژئوپلیتیکی یا منافع اقتصادی یا هر دوی آن‌ها با هم. بنابراین برهم کنش میان اقتصاد و ژئوپلیتیک در قالب انرژی یکی از ویژگی‌های اساسی و زیربنایی در میان اهداف و مقاصد روسیه است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استفاده از منابع انرژی با هدف

دستیابی به اهداف سیاست خارجی بیشترین تاثیر را در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی داشت و روسیه همواره می‌کوشد با استفاده از ابزار انرژی بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشورهای مصرف کننده تأثیر بگذارد و این تأثیرگذاری و استفاده سیاسی از انرژی از طریق چهار مکانیسم اتخاذ مواضع سازش ناپذیر در مذاکرات انرژی، ایجاد و بهره‌گیری از زمینه‌های منازعه با شرکا، امتیازگیری سیاسی از صدور انرژی و تسلط بر شبکه خطوط انتقال انرژی بوده است بنابراین در بحث نتیجه‌گیری مقاله از اهداف سیاسی روسیه در حوزه انرژی می‌توان بیان داشت که فهم متقابل از دیپلماسی انرژی روسیه، مبتنی بر فهم بنیادهای سیاسی و اهداف سیاسی موجود میان روسیه و کشورهای غربی است و به عبارت دیگر شالوده‌های سیاسی هر دو طرف، مؤلفه‌های روابط متقابل میان آن دو در ابعاد مختلف سیاسی و امنیتی را شکل می‌دهد، زیرا انحصار روسیه بر مسیرهای انتقال نفت و گاز در قالب دیپلماسی انرژی باعث شده است که این کشور از قدرت چانه‌زنی بسیار خوبی در مذاکرات مربوط به موضوعات انرژی در برابر غرب برخوردار باشد. به همین ترتیب، مسکو کنترل خود بر روی تولید، فروش و انتقال منابع انرژی، در راستای استفاده از ساز و کارهایی چون: اتخاذ مواضع سازش ناپذیر در مذاکرات انرژی، ایجاد و بهره‌گیری از زمینه‌های منازعه با شرکا، امتیازگیری سیاسی از صدور انرژی و تسلط بر شبکه خطوط انتقال انرژی تلاش کرده است تا ضمن تثبیت موقعیت جهانی خود از انرژی به‌عنوان مقوله‌ای استراتژیک برای ارتقای موضع سیاسی و اقتصادی خود بهره‌برداری کند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

Energy diplomacy has emerged as a critical component of international relations, particularly as energy resources become increasingly pivotal in securing national security and economic stability. This extended abstract examines the political objectives underpinning Russia's use of energy in its foreign policy. The study highlights the historical significance of energy in global politics, referencing key events such as the Western oil embargo by Arab states during the Israel war, which underscored the strategic importance of energy resources (Nouri, 2010). Russia, leveraging its abundant energy reserves, has systematically integrated energy as a primary tool in its diplomatic arsenal to enhance its geopolitical influence and safeguard its national interests on the global stage.

The theoretical framework of this study is anchored in aggressive realism, which posits that states inherently seek to maximize their power to ensure security within an anarchic international system. Aggressive realists argue that states pursue power not out of inherent aggression but because the international system compels them to do so to achieve security (Mearsheimer, 2001). This paradigm is particularly relevant to understanding Russia's strategic use of energy resources. Russia's energy diplomacy focuses on maintaining hegemonic control over energy transit routes, securing strategic partnerships, and utilizing energy exports as leverage in international negotiations (Mirtorabi Hosseini & Khazaei, 2019). By controlling critical energy infrastructure and diversifying its energy export markets, Russia aims to enhance its global standing and influence over key regions such as Central Asia, Europe, and increasingly, Asia.

The importance of energy in Russia's foreign policy is multifaceted, encompassing economic, political, and strategic dimensions. Russia possesses some of the world's largest reserves of oil and natural gas, which it exports extensively to Europe and Asia ([Energy Information Administration, 2017](#)). In 2019, Russia accounted for approximately 12.7% of global oil exports and 26% of natural gas exports, highlighting its pivotal role in global energy markets ([Godzimirski, 2022](#)). The revenue generated from energy exports constitutes a significant portion of Russia's GDP, budget, and employment, underscoring the sector's critical role in the national economy ([Novikau, 2020](#)). Consequently, Russia employs its energy resources not merely for economic gain but as a strategic instrument to exert influence and achieve broader foreign policy objectives.

Energy diplomacy in Russia is operationalized through several key axes: Asia-China, Europe, and Central Asia-Caucasus. In its engagement with China, Russia seeks to establish a reliable energy partnership to diversify its export markets and reduce dependence on European consumers ([Henderson, 2019](#)). Projects such as the Power of Siberia pipeline exemplify Russia's efforts to solidify its energy ties with China, ensuring long-term demand for its natural gas while mitigating geopolitical risks associated with over-reliance on European markets ([Brown, 2016](#)). In Europe, Russia maintains a dominant position as a major supplier of natural gas and oil, utilizing this leverage to influence European energy policies and political dynamics ([European Commission, 2022](#)). Additionally, in Central Asia and the Caucasus, Russia endeavors to control energy transit routes and secure strategic alliances, thereby reinforcing its influence over these geopolitically significant regions ([Karimipour et al., 2017](#)).

The relationship between energy and diplomacy in Russia's foreign policy is characterized by strategic maneuvering to maximize its geopolitical leverage. Russia employs hard negotiation tactics, conflict management, and political exchanges to assert its dominance in energy markets. For instance, during the gas disputes with Ukraine, Russia effectively used energy supply interruptions as a means of political pressure, achieving favorable terms in negotiations and reinforcing its strategic objectives ([Reinhardt & Pronichkin, 2018](#)). Furthermore, Russia actively suppresses competitors in the European energy market by investing in extensive pipeline infrastructure, such as Nord Stream, which enhances its ability to control gas flows directly to Europe, bypassing traditional transit countries ([Götz, 2020](#)). These strategies underscore the instrumental role of energy in Russia's broader diplomatic endeavors to maintain and expand its influence.

Russia's political objectives in its energy diplomacy are aimed at consolidating its status as a global energy superpower, influencing international energy markets, and using energy as a tool to achieve strategic geopolitical goals. By maintaining control over major energy transit routes and diversifying its export markets, Russia seeks to enhance its bargaining power in international relations. The strategic use of energy resources allows Russia to exert pressure on neighboring countries, counterbalance Western influence, and foster alliances with key global players such as China. Additionally, Russia's investment in energy infrastructure and technology aims to secure long-term energy security, support domestic economic growth, and project power on the international stage ([Česnakas, 2016](#)). These objectives are integral to Russia's ambition to restore its influence within the post-Soviet space and challenge the existing international order dominated by Western powers.

In conclusion, Russia's energy diplomacy is a sophisticated and strategic approach aimed at leveraging its vast energy resources to achieve national security, economic stability, and geopolitical dominance. The study illustrates how Russia effectively utilizes energy as a diplomatic tool to enhance its global influence, secure strategic partnerships, and counterbalance Western power structures. By controlling critical energy infrastructure and diversifying its export markets, Russia

not only strengthens its economic position but also asserts its political and strategic objectives on the global stage. The findings underscore the intricate interplay between energy resources and diplomatic strategies in shaping Russia's foreign policy, highlighting the enduring significance of energy as a cornerstone of national power and international relations. Understanding Russia's energy diplomacy provides valuable insights into the broader dynamics of global energy politics and the strategic maneuvers of major energy-exporting nations.

References

- Alato, P. (2016). Russian Energy diplomacy. In T. M. P. C. G. Tiess (Ed.), *Encyclopedia of Mineral and Energy Policy* (pp. 1-5). https://doi.org/10.1007/978-3-642-40871-7_120-1
- Bovan, A., Vučković, T., & Perić, N. (2020). Negotiating energy diplomacy and its relationship with foreign policy and national security. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 10(2), 1-6. <https://doi.org/10.32479/ijeeep.8754>
- Brown, J. (2016). Abe's 2016 Plan to Break the Deadlock in the Territorial Dispute with Russia. *The Asia-Pacific Journal*, 14(4). <https://apjif.org/2016/04/brown>
- Česnakas, G. (2016). Energy resources as the tools of foreign policy: the case of Russia. *Lithuanian foreign policy review*, 35, 9-40. <https://doi.org/10.1515/lfpr-2016-0022>
- Energy Information Administration. (2017). *Russia, Country Analysis Briefs*. <http://www.eia.doe.gov/beta/informational/analysisincludes/Countries-long/Russia/Pdf>
- European Commission. (2022). *Database* - Eurostat. https://ec.europa.eu/eurostatdatabrowser/explore/all/all_themes?lang=en&display=list&sort=catego
- Farhadi, M. (2016). The Shift in U.S. Foreign Policy in Central Asia and Its Impact on the Security Environment of the Islamic Republic of Iran. *National Security Quarterly*, 7(23). https://ns.sndu.ac.ir/article_197_dae1ca382a0d08dfb2341d4a0d06022b.pdf
- Farhadi, M., & Abbasi Ghadi, M. (2022). *Economic Plans of Major Powers in Central Asia: From the Perspective of Opportunities and Threats for Iran and Presenting an Optimal Model of Countermeasures*. Ebrar Moaser Publications.
- Finon, D., & Locatelli, C. (2007). *Russian and European gas interdependence, Can market forces balance out geopolitics?* <https://halshs.archives.ouvertes.fr/halshs00129618v2/file/Cahier41bis.pdf>
- Godzimirski, J. M. (2022). Energy, climate change and security: The Russian strategic conundrum. *Journal of Eurasian Studies*, 13(1), 16-31. <https://doi.org/10.1177/18793665211054518>
- Götz, R. (2020). *Russia and the energy supply of Europe. The Russian energy strategy to 2020*. http://www.swp-berlin.org/common/get_document.php
- Henderson, J. (2019). *The Pricing Debate over Russian Gas Exports to China*. <https://ieefa.org/ieefa-eu-gas-diversity-of-supply-or-diversity-of-routes>
- Hyun, A. S. (2012). Russian-South Korean Security Relations Reconsidered The Lost Two Decades of Promise and Perils. *The Korean Social Science Journal*, 39(2). http://www.kossrec.org/wp-content/uploads/2015/04/02_Se-Hyun-Ahn.pdf
- Jaller-Makarewicz, A. M., & Williams-Derry, C. (2022). *EU Gas: Diversity of Supply or Diversity of Routes?* https://ieefa.org/wp-content/uploads/2022/02/EU-Natural-Gas-Diversity-of-Supply-or-Diversity-of-Routes_February-2022.pdf
- Karimipour, D., Niaikouei, S. A., & Simbar, R. (2017). The Role of Energy Diplomacy in Foreign Policy: A Comparative Study of Russia and Qatar. *Strategic Policy Research*, 6(22), 175-205. https://qpss.atu.ac.ir/article_8079.html
- Koolae, E., & Allahmoradi, A. (2011). Russia's Energy Policy in Central Asia. *Strategic Research Studies*, 61, 31-56. <file:///C:/Users/Asus/Downloads/25013906103.pdf>
- Mäe, A. (2020). European (Energy) Security and Russian Natural Gas. *International Centre for Defence and Security (ICDS)*, 19(1). <https://icds.ee/en/european-energy-securityand-russian-natural-gas>
- Mearsheimer, J. (2001). *Realism Reader*. Routledge.
- Mirtorabi Hosseini, S. S., & Khazaei, O. (2019). The Role of Diplomacy and Energy Security Strategy in Russia's Foreign Policy (2000-2015). *Political Strategy Quarterly*, 3(8), 107-132. <https://ensani.ir/file/download/article/1560681161-10217-45.pdf>
- Morningstar, R., Simonyi, A., Khakova, O., & Markina, I. (2020). *European Energy Diversification How Alternative Sources, Routes, and Clean Technologies Can Bolster*.
- Newnham, R. (2011). Oil, carrots, and sticks: Russia's energy resources as a foreign policy tool. *Journal of Eurasian Studies*, 2, 134-143. <https://doi.org/10.1016/j.euras.2011.03.004>

- Nouri, A. (2010). The Essence of Great Power Thought in Russia's Foreign Policy. *Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, 71, 133-162. http://ca.ipisjournals.ir/article_10556_c4a5873dafbd9c2f87bb404e27d5676e.pdf
- Novikau, A. (2020). What does energy security mean for energy-exporting countries? A closer look. <https://doi.org/10.1080/02646811.2020.1794108>
- Omelicheva, M. (2018). *Russia's Foreign Policy in Central Asia*. file:///C:/Users/asus/Downloads/OmelichevaRussiaFPinCentralAsia.pdf
- Pierini, M. (2019). *Russia's Energy Politics and Its Relevance for the European Union*. <https://www.iemed.org/publication/russias-energy-politics-and-its-relevance-for-the-european-union>
- Rauf, S. (2017). Changing Geopolitical Dynamics in Central Asia: Causes and Effects. *Institute of Strategic Studies*, 37(4), 149-165. <https://doi.org/10.53532/ss.037.04.00203>
- Reinhardt, R. O., & Pronichkin, S. V. (2018). The realist paradigm of energy diplomacy in the Russian scientific tradition and its practical applicability. *MGIMO Review of International Relations*, 1, 94-109. <https://doi.org/10.24833/2071-8160-2018-1-58-94-109>
- Slobodian, N. (2017). *Russian Energy Diplomacy: instruments and approaches*. <https://pulaski.pl/en/analysis-russian-energy-diplomacy-instruments-and-approaches>
- Sönmez, A. S. (2015). Kırım Sorunu Bağlamında Rusya Ukrayna İlişkilerinin Analizi. *International Journal of Social Sciences and Education Research*, 1(3), 790-808. <https://dergipark.org.tr/tr/download/article-file/355848>
- Ануфриева, Л. П., & Подчуфаров, А. Ю. (2018). НАУЧНО-ТЕХНИЧЕСКОЕ СОТРУДНИЧЕСТВО КАК ОДНО ИЗ НАПРАВЛЕНИЙ СТРАТЕГИЧЕСКОГО ПАРТНЕРСТВА СТРАН БРИКС В ИЗМЕНЯЮЩЕМСЯ МИРЕ (ЭКОНОМИКО-ПРАВОВЫЕ ВОПРОСЫ). <https://cyberleninka.ru/article/n/nauchno-tehnicheskoe-sotrudnichestvo-kak-odno-iz-napravleniy-strategicheskogo-partnerstva-stran-briks-v-izmenyayuschemsya-mire>
- Текст Стратегии национальной безопасности Российской Федерации до, года. (2020). <http://www.scrf.gov.ru>
- Федоровна, Ч. В. (2018). *Энергетический фактор во внешней политике Российской Федерации* Министерство образования и науки Российской Федерации, ФГБОУ ВО «Уральский государственный педагогический университет». file:///D:/farhadi%20resale/RESALE%20ZAHEDAN